خبر

سال ۲۰۲۵ برای قلی‌زاده به پایان رسید

علی قلی‌زاده، هافبک ایرانی لخ‌پوزنان، در اوایل فصل جاری دچار مصدومیت شد و در شرایطی که انتظار می‌رفت حدود دو ماه از میادین دور بماند ولی دوری او از مستطیل سبز طولانی‌تر شد. سایت SportoWefakty لهستان نوشت علی قلی‌زاده حدود دو ماه دیگر (اواخر سال ۲۰۲۵) قادر به بازگشت به تمرین‌های تیمش خواهد بود تا بتواند لخ‌پوزنان را در دور برگشت لیگ لهستان همراهی کند. به این ترتیب قلی‌زاده در بازی‌های آتی تیم ملی ایران در سال ۲۰۲۵ نیز غایب خواهد بود. قلی‌زاده تاکنون ۵۰ بازی برای لخ‌پوزنان انجام داده و هشت گل و شش پاس گل را به ثبت رسانده است. او این فصل فقط ۱۴۹ دقیقه از ۹۳۰ دقیقه ممکن را بازی کرده است. لخ‌پوزنان قهرمان فصل قبل لیگ لهستان در فصل جاری خوب ظاهر نشده و در رده هشتم جدول رده‌بندی قرار دارد.

باشگاه تراکتور: بیرانوند سرباز نیست

مدیرعامل باشگاه تراکتور توضیحاتی درباره وضعیت سربازی علیرضا بیرانوند ارائه کرد. سعید مظفری‌زاده درباره اینکه گفته می‌شود علیرضا بیرانوند از روز گذشته مشمول خدمت سربازی است و دیگر اجازه بازی در تیم تراکتور را ندارد، گفت: «بیرانوند باید کار دانشگاهش را انجام دهد و تکمیل کند. مثل سایر بازیکنان که مشغول تحصیل هستند، او هم فرقی ندارد. بیرانوند در حال حاضر سرباز نیست و فقط باید وضعیت تحصیلی‌اش را مشخص کند و آن را ارائه دهد». او گفت: «هر شخصی که روند تحصیلی‌اش نامشخص باشد یا مهلتش به پایان برسد، مشمول محسوب می‌شود. بیرانوند هم پیگیر کار دانشگاهش است و با ارائه درخواست و انتخاب واحد جدید و مشخص‌شدن زمان دفاع از پایان‌نامه‌اش، می‌تواند باز هم از معافیت تحصیلی استفاده کند».

نخستین طلای تاریخ والیبال زنان ایران پس از ۶۲ سال

تیم ملی والیبال زنان ایران در فینال مسابقات آسیای مرکزی (کاوا) که به میزبانی ازبکستان برگزار شد، دیروز به مصاف تیم میزبان رفت و با پیروزی ۳ بر صفر مقابل این تیم قهرمان شد. شاگردان لی دو هی که در مرحله مقدماتی با کسب سه برد متوالی و ۹ امتیاز به عنوان صدرنشین فینالیست شدند، در دیدار نهایی این رقابت‌ها هم ۳ بر صفر برای دومین بار ازبکستان را شکست دادند تا با چهار برد متوالی قهرمان آسیای مرکزی شوند. ترکیب آغازکننده تیم ایران در فینال شامل آیتک سلامت، شبنم علیخانی، ریحانه کریمی، نگار هاشمی، فاطمه خلیلی و الهه پورصالح بود. همچنین شقایق حسن‌خانی، زهرا کریمی، پریا حاجتمند، نورا محمدی، فاطمه منظوری، نازنین علیزاده، زهرا صالحی و غزاله بستان دیگر بازیکنان حاضر در ترکیب تیم ملی در این رقابت‌ها بودند.

زنان والیبال ایران در مرحله مقدماتی نیز تیم‌های تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان را از پیش‌رو برداشته بودند و با برد دیروز، بدون حتی واگذاری یک ست، به مقام قهرمانی دست یافتند. تیم ملی والیبال زنان ایران نخستین‌بار در سال ۱۳۴۲ تشکیل شد و حالا برای اولین‌بار در تاریخ موفق به کسب مدال طلا در یک رویداد برون‌مرزی شده است.

دوری ۴ ماهه سردار آزمون از فوتبال

مهاجم ایرانی شباب الاهلی در تمرین این تیم به‌شدت مصدوم و راهی بیمارستان شد. رسانه‌های اماراتی به خبر آسیب‌دیدگی سردار آزمون واکنش نشان داده و از بدشانسی بزرگ باشگاه شباب الاهلی خبر دادند. روزنامه الامارات‌الیوم نوشت: «مهاجم تأثیرگذار شباب الاهلی از ناحیه ساق پا دچار شکستگی و بلافاصله به بیمارستان منتقل شد. زمان دوری او از میادین طولانی است؛ به طوری که او تا چهار ماه نمی‌تواند تیمش را همراهی کند». این روزنامه اماراتی در ادامه نوشت: «آسیب‌دیدگی سردار آزمون در زمان بسیار بدی رخ داده است؛ چراکه فصل نقل و انتقالات تابستانی به پایان رسیده و باشگاه شباب الاهلی نمی‌تواند جایگزینی شایسته برای او پیدا کند». آزمون فصل بسیار خوبی را با شباب الاهلی پشت سر گذاشت و توانست در نخستین فصل حضورش در این تیم چهار جام را کسب کند و عنوان بهترین بازیکن فصل را هم به دست آورد اما در فصل جاری بیشتر بازی‌ها را به خاطر مصدومیت از دست داد و در حالی که به‌تازگی به شرایط بازی رسیده بود، با این آسیب‌دیدگی شدید مواجه شد.

پورموسوی جانشین شجاعی شد

تیم فوتبال صنعت نفت آبادان که سال گذشته با هدایت فراز کمالوند نتوانست لیگ برتری شود، فصل جدید را همراه با مسعود شجاعی آغاز کرد که او نتوانست در جمع برزیلی‌ها موفق کار کند و در شش هفته ابتدایی فصل جاری پنج مساوی و یک شکست داشت تا این نمایش منجر به استعفا و پایان همکاری او با این باشگاه شود. صنعت نفت که در فصل جاری هنوز نتوانسته به پیروزی برسد و فاصله‌ای ۹امتیازی با تیم صدرنشین لیگ دسته اول دارد، در آستانه مسابقات هفته هفتم و دیدار خارج از خانه مقابل آریو اسلامشهر که سه‌شنبه برگزار می‌شود، سیروس پورموسوی را به‌عنوان جانشین مسعود شجاعی انتخاب کرد.

اخراج تکواندوکار تیم ملی از محل کار

علی احمدی، ملی‌پوش تکواندو، در حالی که خود را برای بازی‌های کشورهای اسلامی آماده می‌کند به دلیل حضور در اردوها از محل کارش اخراج شده است. احمدی که توانسته سهمیه مسابقات کشورهای اسلامی را کسب کند، درباره شرایط زندگی شخصی و معیشتی خود گفت: «تنها هدفم کسب دومین مدال طلای بازی‌های کشورهای اسلامی است. همسرم در این سال‌ها فداکاری زیادی کرده است. سه سال در یک شرکت لاستیک‌سازی مشغول به کار بودم اما سال گذشته به دلیل حضور در اردوهای تیم ملی از کار اخراج شدم. ابتدا همکاری خوبی داشتند اما بعد اعلام کردند که حضورم در محل کار کافی نیست». او درباره وضعیت فعلی‌اش گفت: «در حال حاضر بیکار هستم و تنها درآمدم حقوق شش‌میلیونی اردوهای تیم ملی است که صرف پرداخت اقساط می‌شود. حتی هنگام بازگشت از اردو برای هزینه‌های سفر با مشکل روبه‌رو هستم».

محمد مؤمنی در گفت‌وگو با «شرق»

انتخاب بازیکنان و روش مدیریتی شایسته استقلال نیست

افسون حضرتی: دومین شکست استقلال در لیگ قهرمانان آسیا ۲، هواداران این تیم، کارشناسان و پیش‌کسوتان این باشگاه را متعجب کرد که چه اتفاقی رخ داده که تیم دو هزار میلیاردی با سرمربی خارجی و بازیکنانی که اسم‌ورسم‌دار هستند، حتی مقابل المحرق بحرین هم می‌بازد. مشکلات عمیق مدیریتی و فنی که سال‌ها در این تیم ریشه دوانده، هر فصل به شکلی سر باز می‌کند و دامن‌گیر آبی‌ها می‌شود. حتی بدبین‌ترین هوادار فوتبال هم باور نمی‌کرد استقلال توان انجام یک حمله درست‌وحسابی روی دروازه المحرق را نداشته باشد. محمد مؤمنی، پیش‌کسوت فوتبال که سابقه حضور در هیئت‌مدیره باشگاه استقلال را در کارنامه دارد، معتقد است اگر وضعیت فعلی خیلی زود تغییر نکند، استقلال به جایی نخواهد رسید.

•••

به نظر شما چرا استقلال مقابل المحرق باخت؟

بازی‌ای که استقلال انجام داد، بازی نبود که بتوان از آن دفاع کرد. استقلال تیم قدرتمندی است، سابقه و پیشینه بسیاری دارد، ولی درست نیست جلوی المحرق، آن‌هم در لیگ سطح دو آسیا، نتواند سه امتیاز بگیرد. این یک ایراد بزرگ برای فوتبال ماست. اگر قرار است برای بازیکنان خارجی میلیون دلاری خرج کنیم و این کیفیت را داشته باشند، چه بهتر که از بازیکنان داخلی خودمان استفاده کنیم. بازیکن داخلی مسئولیت‌پذیرتر است، بیشتر به حرف مربی گوش می‌دهد و احساسات و عواطف هوادار را بیشتر درک می‌کند. اما متأسفانه آدان، نازون و جنپو را آوردیم که حتی در حد لیگ یک فوتبال کشور ما نیستند. نمی‌دانم چه کسی می‌خواهد پاسخ‌گو باشد یا چه کسانی این بازیکنان را آورده‌اند و پشت پرده چه خبر است؟ ما باید در این کشور از این افراد سؤال کنیم که چه اتفاقی افتاده این بازیکنان را به فوتبال ما آوردید؟ بر چه اساسی آوردند؟ زمانی که آدم‌های غیرمتخصص در مسند و مدیریت یک تیم می‌نشینند و از روی فیلم و بنا بر گفته دیگران این بازیکنان را می‌آورند، آخرش همین می‌شود.

جذب بازیکن بر چه مبنایی صورت گرفته است؟

روز اول اسم‌ها را می‌آوریم، ولی در نمایشی که انجام می‌دهند می‌بینیم کیفیت آن چیزی نیست که برایش پول دادیم؛ چون آدم‌های متخصص را برای مدیریت که تخصص می‌خواهد، انتخاب نمی‌کنند. با احترام به تمامی افراد سیاسی، ولی فکر می‌کنند فوتبال همین است که می‌بینیم. اما این نیست. فوتبال هزاران زیر و بم دارد. همان‌طورکه ما سیاست را نمی‌شناسیم، سیاسیون هم در واقع ورزش را نمی‌شناسند. پول خرج‌کردن خیلی خوب است، ولی در کنار پول خرج‌کردن، تخصص‌گرایی بزرگ‌ترین برگ برنده مدیری است که در این موانع می‌تواند از مدیریتش استفاده کند. نیاز به رسانه ندارد، نیاز به شهرت و محبوبیت ندارد. چون سال‌ها این موارد را کسب کرده، بنابراین به حرف هرکسی گوش نمی‌کند و هرکسی هم به خودش اجازه بازی‌کردن در این زمینه را نمی‌دهد. چون چندین و چند سال آبرو به دست آورده و می‌خواهد در این فوتبال باشد، نیامده که یک سال باشد و بعد برود. اما آدم‌های سیاسی می‌گویند اشکال ندارد، امسال اینجا نباشیم سال دیگر جای دیگری می‌رویم. کسانی که از بازیگری به مدیریت رسیدند، برای تیم و هواداران‌شان ارزش قائل هستند، به حرف هرکسی گوش نمی‌دهند؛ چون قبلا این تجربه را کسب کرده‌اند. احساسات و عواطف هوادار را درک می‌کنند.

به نظر می‌رسد در فصل نقل‌وانتقالات شتاب‌زده عمل شد؟

شتاب‌زده نبود، غیرتخصصی عمل شد. فقط آسانی در بین بازیکنان خارجی استقلال عملکرد خوبی دارد. حتی منیر الحدادی هم در آن حد و اندازه نیست. چادرملو بازیکنان خارجی‌ای گرفته که بسیار خوب عمل می‌کنند؛ چون سعید اخباری خودش بازی آنها را نگاه می‌کند و به حرف کسی گوش نمی‌دهد که چقدر درصد بدهد یا بگیرد. او آبرو و حیثیت خودش برایش در اولویت است؛ یعنی می‌داند اگر بازیکن خوب انتخاب کند، اعتبارش بیشتر می‌شود.

در تمام این موارد، نقش ساپینتو چیست؟

اول ببینیم ساپینتو را چطور انتخاب کردیم؟ زمانی که ما در هیئت‌مدیره استقلال بودیم، مهره کارآمدی بود، ولی اینکه چرا نمی‌توانند از او خوب استفاده کنند، برمی‌گردد به ضعف دوستان. قبلا مربی خوبی بود، ولی الان کارایی لازم را ندارد، پس یک جای کار ایراد دارد. ما کنار ساپینتو مربی نداریم که بازیکنان از او حساب ببرند. کسی نیست که حرفش را گوش بدهند. ما این نفر را روی نیمکت نداریم. کادر فنی اقتدار لازم را روی تیم ندارد. ما نباید به‌راحتی هر بازیکنی را از تیم کنار می‌گذاشتیم. ما کسانی را آوردیم که به تیم کمک کنند، نه اینکه پاشنه آشیل تیم شوند.

سؤال است که چطور حسینی را از دست می‌دهند و دروازه‌بانی مثل آدان را جذب می‌کنند؟!

برای اینکه ما این بازیکنان را به خوبی آنالیز نکردیم و بدون مطالعه آوردیم. از نظر روانی‌شناختی از فوتبال ایران شناخت ندارند. بازیکن مقابل هوادار استقلال از نظر روانی حتی ۲۰ درصد هم کارایی ندارد. در فوتبال باید به مسائل روانی هم توجه کنیم. پس ما روی مطالعه‌ای که کردیم، ضعف داشتیم. انتخاب خوبی بوده ولی کیفیت خوب نبوده است. از سویی بهترین بازیکن فلان تیم داخلی نمی‌تواند در استقلال همان بهترین باشد؛ چون در استقلال ۱۱ بازیکن «الیت» کنار هم بازی می‌کنند.

استقلال چطور می‌تواند از بحرانی که در آن گرفتار شده است، خارج شود؟

من احساسم این است که شاید نتوانیم با ساپینتو ادامه دهیم؛ چون هیچ برنامه‌ای در این تیم نمی‌بینیم. در فوتبال برنامه نداشته باشید، محکوم به شکست هستید. تیم‌های دیگر این مسائل را آنالیز کرده‌اند. برای تمام برنامه‌های استقلال هر هفته آنالیز کرده‌اند و مقابل استقلال سد می‌شوند. استقلال الان توان تاکتیکی‌اش پایین است. این موضوع به تیم آسیب می‌زند و ساپینتو باید از نیروهای جوان و تأثیرگذار بیشتری استفاده کند تا نیروهای قدیمی. مربی‌ای که نتواند آگاهانه تصمیم بگیرد، چه فایده‌ای دارد؟ به رامین رضاییان از بیرون کمک می‌شود که بازی کند، ولی این وسط حردانی دارد «له» می‌شود؛ درصورتی‌که توانایی‌اش بیشتر از رضاییان است. اگر خون تازه‌ای وارد تیم نشود، با این تیم به جایی نمی‌رسیم.

یعنی سرمربی عوض شود؟

این اتفاق هم می‌تواند بیفتد. به غیر از این، نگاه مدیران باید عوض شود. مشاورانی که دارند مشاوره می‌دهند، مشاوره غلط می‌دهند. این تیم آدم زیاد دارد و همه هم دوست دارند مشاوره بدهند. مشاورانی که آقای تاجرنیا انتخاب کرده، مردود شده‌اند. این انتخاب بازیکنان و روش مدیریتی شایسته استقلال نیست. پول خوبی خرج شده، ولی مشاوره‌هایی که دادند خوب نبوده است. برای همه ثابت شده انتخاب‌هایی که کرده‌اند، خوب نبوده؛ چون کیفیت‌شان در زمین مشخص شد. پس باید تغییر نگاه و عملکرد بدهیم.

موضع‌گیری تند مدیرعامل بانک شهر علیه سرمربی پرسپولیس

توپ در زمین هاشمیان افتاد

شرق: زنگ خطرها در پرسپولیس بالاخره به صدا درآمد. حالا دیگر نه هاشمیان و نه درویش احساس امنیت نمی‌کنند و از حاشیه امنی که داشته‌اند به تدریج فاصله می‌گیرند. روز گذشته بالاخره خبرنگاران رسانه‌ها توانستند مستقیم با مالک باشگاه صحبت کنند؛ صحبت‌هایی که دلخوری‌ها و گلایه‌مندی‌های حامی مالی را به همراه داشت. همان‌قدر که هواداران در ورزشگاه نسبت به عملکرد مدیریتی درویش ابراز نارضایتی می‌کنند یا هاشمیان را سرمربی‌ای در حد و اندازه پرسپولیس نمی‌دانند، مهدی احمدی هم تلویحی و خیلی با احتیاط نشان داد که همسو با هواداران این تیم فکر می‌کند. مهدی احمدی، مدیرعامل بانک شهر و مالک باشگاه پرسپولیس، روز گذشته در جمع خبرنگاران، یکی به نعل زد یکی به میخ تا معلوم شود که مالکان این باشگاه هم خیلی از اوضاع و احوال راضی نیستند. حالا اگر هاشمیان قبل و بعد از هر بازی از تیمش تعریف می‌کند برای این است که هیچ «ماست‌فروشی نمی‌گوید که ماست من ترش است». بیشتر صحبت‌های احمدی متوجه وحید هاشمیان بود تا رضا درویش. سرمربی‌ای که کنار مدیرعامل تیم ایستاد و تمام‌قد از او حمایت کرد، روز گذشته به زبان بی‌زبانی اولتیماتوم محترمانه‌ای داد که حتی اگر تیم زیبا بازی کند ولی نتیجه نگیرد، بهتر از این است که با این تساوی‌های کسل‌کننده فقط یک امتیاز کسب کند. حتی مشخص شد که رفتن وحید امیری و دورسون هم به پای وحید هاشمیان نوشته شده. مالک باشگاه پرسپولیس در قبال پولی که در این باشگاه خرج کرده منتظر نتیجه است. احمدی گفت: «اینکه ۱۵۰۰ میلیارد خرج‌مان باشد ولی محتاط بازی کنیم و مقابل تیم ۱۰۰میلیاردی مساوی بگیریم، قابل قبول نیست». مدیریت باشگاه و سرمربی که از بی‌پولی می‌نالیدند، حالا با این گفته روبه‌رو هستند که پول هست، چرا بازیکن طراز اول معرفی نمی‌کنید؟

احمدی در لفافه گفت که اگر از هاشمیان بخواهیم که تیم را ترک کند، خیلی زود است. یعنی احتمال دارد که تا نیم فصل صبر مالکان هم تمام شود و هاشمیان از جمع سرخ‌پوشان جدا شود. احمدی خیلی سربسته اعلام کرد که اگر درویش احساس کند ناتوان از مدیریت تیم است، از آنجایی که فرد دلسوزی است خودش هم با دلسوزی استعفا می‌دهد. یک جمع‌بندی کوچک نشان می‌دهد که کنسرسیوم بانکی، از مدیر و سرمربی راضی نیستند و منتظرند تا بلکه مدیر و سرمربی تیم را به شرایط ایدئال برگردانند. آنها آزمون و خطایی را که احمدی از آن نام می‌برد، در پرسپولیس قبول ندارد. مالک باشگاه از بازی‌های محتاطانه راضی نیست و معتقد است تیم عیب دارد. مگر می‌شود افراد فنی و غیرفنی متوجه مشکل باشند ولی هاشمیان بر خوب‌بودن تیمش اصرار داشته باشد؟ حتی معلوم نیست سازوکاری که او را روی نیمکت قرمزها نشانده چگونه است. درویش و وحید هاشمیان به‌راحتی توانسته‌اند، فضای هواداری و رسانه را در اختیار بگیرند تا جای هیچ اعتراضی باقی نباشد. از بردن طبل و بلندگو به ورزشگاه، تا رفتار منفعلانه در مقابل سؤالات خبرنگاران نشان می‌دهد که دودستگی در این تیم بی‌داد می‌کند. مهدی احمدی گفته که از سرمربی و مدیریت خواسته بازیکنانی با تراز بالای جهانی معرفی کنند، اما این اتفاق نیفتاده است. اگر دل‌سوختن‌های هوادار برای شما ارزشی ندارد، حداقل برای آبروی خودتان هم که شده حرکت مثبتی انجام دهید. هاشمیان که با فضای فوتبال ایران آشنا نبود، نباید مربیگری پرسپولیس را قبول می‌کرد. با زبان تهدیدآمیزی که روز گذشته مالک باشگاه درباره نتایج تیم و هزینه‌ای که برای آن شده به کار برد، از این پس پیکان حملات به سمت هاشمیان نشانه می‌رود. این‌گونه درویش از زیر فشار خارج می‌شود و توپ به زمین سرمربی تیم خواهد افتاد. چه بسا هاشمیان از این پس حمایت درویش را هم از دست بدهد. هوادارانی که تا دیروز درویش را مقصر اتفاقات و نتایج ضعیف پرسپولیس می‌دانستند، از امروز یک شریک جرم دیگر هم پیدا کرده‌اند؛ وحید هاشمیان. سرمربی‌ای که هیچ نشانی از نظم و انضباط آلمانی و برنامه‌های تاکتیکی در تیمش دیده نمی‌شود و به تساوی‌های پی‌درپی رضایت دارد. بدون تردید ساختار پرسپولیس حداقل در نیم‌فصل با تغییرات گسترده‌ای همراه خواهد بود. از این به بعد و در بازی‌های آینده پرسپولیس آبستن حوادث بیشتری خواهد بود.

سوژه

یک سؤال تکراری؛ چرا جهانبخش دعوت شد؟

شرق: اسامی تیم ملی برای برگزاری دو دیدار دوستانه مقابل روسیه و تانزانیا در فیفادی پیش‌رو اعلام شد. البته فهرست جدید امیر قلعه‌نویی شامل بازیکنانی که قرار بود احتمالا از استقلال و چادرملو دعوت شوند، نمی‌شد؛ چون دیدار دو تیم دیشب برگزار شد. با این اوصاف، در لیست تیم ملی یک اسم دیده می‌شود که همه را انگشت به دهان کرده است: علیرضا جهانبخش. بازیکنی که همچنان بدون تیم است و بخشی از فعالیتش در مدت اخیر به گشت و گذار در رستوران‌های دوبی محدود شده است. باید سرمربی تیم، امیر قلعه‌نویی باشد و بازیکن محبوب ملی‌پوش هم علیرضا جهانبخش تا حتی اگر آماده هم نیست، به تیم فراخوانده شود. به طور کلی همه چیز در این فوتبال عجیب است. از انتخاب تیم‌ها برای برگزاری بازی‌های تدارکاتی تا نتایج تیم ملی. اگر هم انتقادی شود، سرمربی تیم ملی سریع از راه می‌رسد و جواب منتقدان را با دلیل و منطق می‌دهد. مثلا اگر بگوییم چرا تیم ملی مقابل افغانستان خوب بازی نکرد، ژنرال پاسخ می‌دهد که آنها سال‌هاست که روی فوتبالشان سرمایه‌گذاری کرده‌اند. اگر بگوییم تیم ملی در خط دفاعی ضعف دارد، خواهد گفت که به اشتباهات فردی باخته‌ایم. حتی اگر بپرسیم که چرا جهانبخش بدون تیم را دعوت کرده است، خواهد گفت که او از جمله بازیکنان با تجربه تیم ملی است. حق هم دارد که جهانبخش را به تیم ملی دعوت کند. شاید اگر کس دیگری هم بود که از ساز و کار اخراج اسکوچیچ خبر داشت، همه دوستان گرامی در تیم ملی را برای بازی‌های تدارکاتی همیشه دعوت می‌کرد.

اما اینکه چرا جهانبخش در هیچ تیمی حتی داخلی بازی نمی‌کند هم قابل تأمل است. در مقطعی که رسانه‌ها برای بازارگرمی و بالابردن نرخ بازیکنان در فصل نقل و انتقالات هرکسی را که بتوانند، به تیمی وصل می‌کنند، جهانبخش حتی حاضر نشد در یکی از دو تیم مطرح پایتخت بازی کند. منطق جهانبخش هم مثل سرمربی تیم ملی قابل قبول است. او هم در شأن خود نمی‌بیند که در ایران بازی کند. فوتبالیست‌بودن یعنی فقط در خارج از کشور توپ‌زدن. هرجایی غیر از اروپا کنسل است. اما بدبختی اینجاست که تیم‌های اروپایی هم سر نخواستن جهانبخش دعوا دارند. کاش امیر قلعه‌نویی این‌دفعه درباره انتخاب جهانبخش توضیح قانع‌کننده‌ای داشته باشد. حرف از تجربه و نام بزرگ برای روزگاری خوب بود که تیم‌داری علمی معنایی نداشت. امروز کسی با نام بازیکنان بزرگ کاری ندارد. همین ازبکستان بغل گوشمان به‌راحتی ما را شکست می‌دهد. آیا نام‌های بزرگ ما دردی دوا را کردند؟ اما در فهرست جدید تیم ملی یک نکته قابل تأمل است؛ گذشت آن روزگاری که تیم ملی روی کاکل استقلال و پرسپولیس می‌چرخید. به اسامی یک بار دیگر نگاه کنید، حالا دیگر تیم‌های لیگ هم می‌توانند از خوان گسترده تیم ملی سهمی داشته باشند. چقدر بد که استقلال و پرسپولیس ضعیف شده‌اند و البته چقدر خوب که از ضعف آنها دیگران بهره ببرند و پشت نام‌ها «گیر» نکنند.

آگهی فقدان سند مالکیت سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی ۳۲۹۲ فرعی از ۱۸۶۳ اصلی

آقای آیدین خلیل نیا باکد ملی ۲۸۰۳۳۹۶۰۳۳ اصالتاً ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه مصدق شده توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۶۶۶ تهران تحت شناسه یکتای ۱۴۰۴۰۲۱۶۰۴۶۲۰۰۰۴۶۹ و ۱۴۰۴۰۲۱۶۰۴۶۲۰۰۰۴۷۰ مورخ ۱۴۰۴.۰۶.۲۶ با رموز تصدیق ۶۵۲۴۶۰ و ۱۸۲۲۷۸ با شماره ترتیب ۴۶۹ و ۴۷۰ طی درخواست ثبت شده در سامانه کاتب بشماره ۱۴۰۴۲۱۷۰۱۱۴۷۰۳۴۸۹۵ مورخ ۱۴۰۴.۰۶.۲۹ مدعی فقدان سند مالکیت سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی فوق به علت سهل انگاری میباشند که مشخصات آن به شرح ذیل میباشد : سند مالکیت یک دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین طلق به پلاک ثبتی ۳۲۹۲ فرعی از ۱۸۶۳ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۲۹۰۶ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه (۲۵۴۱) دو هزار و پانصد و چهل و یک تفکیکی و واقع در بخش ۱۰ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران استان تهران به مساحت ۳۸۱/۲۵ سیصد و هشتاد و یک متر و بیست و پنج دسیمتر مربع، به مالکیت آیدین خلیل نیا فرزند محرم شماره شناسنامه ۶۱۶۳ تاریخ تولد ۱۳۶۷.۰۳.۳۱ صادره از خوی دارای شماره ملی ۲۸۰۳۳۹۶۰۳۳ با جز سهم ۱ از کل سهم۶ بعنوان مالک یک دانگ مشاع از شش دانگ عرصه با شماره مستند مالکیت ۲۴۲۸۷ تاریخ ۱۴۰۳.۰۹.۰۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۰۶۴ شهر تهران استان ،تهران ثبت و سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۳۶۱۸۶۱ سری ه سال ۰۲ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۳۲۰۳۰۱۱۴۷۰۲۱۰۸۹ صادر گردیده است لذا با توجه به اعلام نامبرده و فقدان سند مالکیت بعلت سهل انگاری و درخواست صدور سند مالکیت المثنی ، در اجرای تبصره یک ذیل ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمائید تا مورد رسیدگی قرار گیرد به اعتراض بدون ارایه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد.پس از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد .م الف ۱۴۳۰۴ اداره ثبت اسناد و املاک زیبا دشت (تهران)

www.sharghdaily.ir